

در باب اسم دسته جات "شاخسئی"

به هر حال همه‌ی ما آذربایجانی‌ها کم و بیش با دسته جات "شاخسئی" در ده روز اول ماه محرم آشنا هستیم. آنچه که اینجانب را واردار به نگارش این مطلب نمود برخی برداشته‌ها در باب اسم این دسته‌جات است. اخیرا در برخی محافل و یا در نوشته‌های روی علم این دسته جات مشاهده میشود که به این دسته‌جات "دسته جات شاه حسین" می‌گویند و مردم می‌پندارند که "شاخسئی" معنی و مفهومی ندارد و مورد استعمال شده از "شاه حسین" می‌باشد و همچنین "واخسئی" مورد استعمال شده "وای حسین" است. ابتدا ویت اصلی این مراسم را مرور می‌کنیم:

دسته‌ی شاخسئی جواب می‌دهد:

- شاخسئی (Şaxsey)

- علی، علی، علی دی

- واخسئی (Vaxsey)

- هاسا (Hasa)

البتّه جمالات بالایی ویت‌های اصلی رسم هستند و ممکن است این ویت‌ها شهر به شهر متفاوت بوده و حتی توسط سر دسته اشعار دیگری نیز قرائت شود. اما آنچه که مسلم است این اصطلاحات، کلمات اصلی و کلیدی مراسم است که در خیلی از جاها اجرا می‌شود و حاوی واژه‌ها و اصطلاحات "شاخسئی" و "واخسئی" هست.

ابتدا" اینجا چندین سوال در اذهان متبائر می‌شود که:

۱- اگر "شاخسئی" مورد استعمال شده از "شاه حسین" می‌باشد چرا "شاخسئی" نیست؟ حداقل دو حرف "ه" از شاه و "ح" از "حسین" به قدر کافی تلفظ حرف "ه-ح" را سنگین می‌نماید که به حرف "خ" تبدیل نشود و "شاخسئی" تلفظ شود نه اینکه "شاخسئی" گفته شود.

۲- اینکه یک نفر به عنوان دسته و یک گروه (حداقل ده نفر) با هم جمع می‌شوند و صرفا" به شکل زیر داد سر می‌دهند:

دسته‌ی شاخسئی جواب می‌دهد:

- شاخسئی (Şaxsey) (A)

- علی، علی، علی دی

- واخسئی (Vaxsey) (B)

- هاسا (Hasa) (C)

هدف از اینکه یک نفر وسط و یک گروه به صف (ده نفر) با همدیگر صرفا تنها اسم "امام حسین" را داد می‌زنند چه می‌تواند باشد؟ چرا که اگر فرضیه "شاه حسین - وای حسین" را صحیح فرض کنیم، برآستی هدف از اینکه نفر وسط و گروه همگی صرفا نام "امام حسین" را ذکر می‌کنند چه با پیشوند "امام" چه با پیشوند "شاه" و چه با حرف ندای "ای" چه می‌تواند باشد؟!

۳- همگی می‌دانیم که صفت شاه تنها برای حضرت علی به کار برده می‌شود. در حالی که ما صفت "شاه" را غیر از حضرت علی برای دیگر از امامان به کار نمی‌بریم و اگر هم استعمال شود به ندرت و خیلی محدود سراغ داریم. به چه علت در بیت اول اشعار بالا صفت شاه برای امام حسین به کار برده می‌شود در صورتی که برای حضرت علی که همگی او را کم و بیش با این صفت شنیده ایم به کار گرفته نمی‌شود؟

۴- در ردیف اول و آخر نفر وسط فقط نام خالی "حسین" را می‌گوید و در جواب دسته "شاه حسین" را داد می‌زنند، اگر فرض نماییم که شاه حسین صحیح است چرا نفر وسط لفظ "شاه حسین" را به کار نمی‌گیرد؟

۵- در ابیات بالا "هاسا" به چه معنی است؟ حتما برخی‌ها خواهند گفت این کلمه نیز "های حسین" است که به "هاسا" تبدیل شده است!!

۶- اصطلاح "وای حسین" به شکل "حسین وای" خیلی وقت‌ها در آخر ویت‌های اصلی هم توسط نفر وسط و هم توسط دسته چندین مرتبه گفته می‌شود.

مثلا

- شاخسئی (Vaxsey) , حسین وای

چه لزومی دارد که دو مرتبه پشت سر هم: وای حسین (واخسئی) , حسین وای گفته شود؟

۷- اگرچه برخی کلمات و اصطلاحات به مرور زمام ممکن است تغییراتی به خود ببیند اما "تبدیل شدن" شاه حسین" به "شاخسئی" و "وای حسین" به "واخسئی" و همچنین "های حسین" به "هاسا" بعید و دور از ذهن می‌نماید.

کلمات "شاخسئی" و "واخسئی" در زبان ترکی:

A- شاخسئی: "شاق" در ترکی در معنای "پاره شدن و جراحت برداشتن" به خصوص با آلات برنده نظیر شمشیر و چاقو و از این دست به کار رفته است و غرض از این کلمه که نفر اول می‌گوید "حسین" و جمع جواب می‌دهد "شاخسئی" پاره پاره شده و جراحت برداشته می‌تواند باشد البتّه اصل این کلمه یعنی "شاقسئی" در تلفظ مردم برخی مناطق از جمله بعضی از روستاهای تابع آذرشهر سالم مانده است. در زبان ترکی تبدیل حرف "ق" به "خ"

کاربرده می شود و در سطر سوم نیز همینطور وقتی فرد وسط "شاخسئی" را به کار می برد گروه و دسته از این "پاره پاره و جراحت برداشتن" امام , حس اندوه خود را بیان می دارد. می توان گفت کلمه ای معادل "واویلا" می باشد.

C- هاسا :

- "مترک" عصا در زبان عربی در همان معنی (فرهنگ دیل دنیز)

- عصا = دستواره, دست کسی بودن کنایه از: تکیه گاه کسی بودن , نگه دار و مدد دار کسی بودن (دهخدا)
اما

هدف از این مراسم نوعی عزاداری برای حضرت " امام حسین " است که ذکر مصیبت برای " امام حسین " همراه رجز خوانی برای دشمن می باشد که با معانی اخیر این ذکر مصیبت اجرا و در نهایت با فریاد " هاسا " رجز خوانی برای دشمن تمام می شود . به طور خلاصه غرض چنین است:

سردسته می گوید:

دسته ی شاخسئی جواب می دهد:

- شاخسئی (Şaxsey)

در اولین سطر توصیف حالت امام حسین در میدان کربلا است که فرد وسط دسته نام امام حسین را به کار می برد و دسته حالت او را در میدان کربلا توصیف می کند یعنی پاره پاره شده و جراحت برداشته (شاقسئی = شاخسئی)

- علی، علی، علی دی

امام
در سطر دوم وقتی فرد وسط " امام " می گوید دسته همگی به امام علی اشاره می کنند و غرض اینست که امام حسین فرزند امام علی می باشد یعنی به عبارتی می خواهند امامت امام حسین را که از نسل امام علی است به نوعی تایید و تصدیق نمایند و بر مصیبتی که به چنین شخص بزرگی وارد شده است تاکید نمایند.

- شاخسئی

- واخسئی (Vaxsey)

در این سطر وقتی فرد وسط "شاخسئی" یعنی (حسین پاره پاره و ضربت خورده) می گوید همگی دسته با گفتن "واخسئی" حالت اندوه و تاسف و تعجب خود را از پاره پاره شدن امام ابراز می کنند.

هاسا (Hasa)

- حسین

در ردیف آخر وقتی نفر وسط " حسین " می گوید دسته در جواب " هاسا " را چندین دفعه به زبان می آورند و به مراتب جدی تر و پرشورتر هستند و نیز قمه ای که در دست " شاخسئی روان " است در هنگام قرائت دیگر ویت ها بالا و پایین می رود اما وقتی اصطلاح " هاسا " فریاد زده می شود همگی قمه ها افراشته و فقط در بالای سر چرخانده می شود و مراسم به مراتب جدی تر و

بعضی از مردم به این مراسم اعتقادی خاصی دارند! و از قمه زنان التماس دعا می‌کنند و بچه‌های عقب مانده و معلول را، میان این دسته‌جات قرار می‌دهند تا قمه زنها آنها را دعا کنند! قمه زنان قبل از اینکه در میداين بزرگ قمه به سر بزنند رجزخوانی کرده و ملتمسین را دعا و سپس قمه به سر زده و به این ترتیب رسم خاتمه می‌یابد. (۲)

۱- نام‌های دیگر این دسته جات (آغ کوینکلر) Ağ Köynəklər (سفید جامگان) و (قانی کوینکلر) Qanlı Köynəklər (خونین جامگان) است که معمولاً اسم دوم بیشتر مصطلح است.
۲- بعد از قدغن شدن مراسم قمه زنی این رسم با چوب دستی برگزار میشود.

دوکتور حسن-م. جعفرزاده
پاییز ۱۳۹